

رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان

* حمید احمدی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

** مصدق گنج‌خانلو

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۸/۱۹

چکیده

هویت ملی در عین داشتن عناصر و مؤلفه‌های مشترک با هویت قومی، از تعدادی عناصر و مؤلفه‌های اختصاصی نیز برخوردار است. عناصر و مؤلفه‌های فرهنگ، تاریخ، سرزمین، مذهب و نژاد بین هویت‌های ملی و قومی مشترک هستند ولی عناصر و مؤلفه‌های حاکمیت و استقلال، حکومت، بروکراسی، اقتصاد ملی و سیستم دفاعی مختص هویت ملی هستند. اگر چه هویت قومی همواره زیرمجموعه‌ی هویت ملی تعریف می‌شود، براساس نوع نگرش عمومی به مؤلفه‌های هویتی، یکی از جهت‌گیری‌های ارتباطی تقویتی، تخریبی، توازی یا تلفیقی بین دو نوع هویت قومی و هویت ملی برقرار است.

مقاله‌ی حاضر در پی مشخص نمودن نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی میان جوانان شهر زنجان در مرداد ماه سال ۱۳۹۰ برآمده است. برای این منظور، از طریق روش پیمایشی و با توزیع پرسشنامه بین ۳۸۰ نفر از جوانان ۱۸-۳۰ ساله، از آن‌ها نظرسنجی به عمل آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که جوانان آذری در شهر زنجان دارای گرایش مثبت نسبت به هویت قومی و در عین حال به هویت ملی هستند. به این ترتیب مشخص گردید که بین هویت ملی و هویت قومی جوانان شهر زنجان، نه تنها رابطه‌ی منفی وجود ندارد بلکه بین این دو هویت جمعی رابطه‌ای تقویتی (با شدت کم) برقرار است. به طوری که، با بیشتر شدن میزان هر یک از دو هویت قومی یا هویت ملی، میزان دیگری نیز بین جوانان زنجان افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که بین هویت‌های قومی و ملی بین جوانان شهر زنجان، جهت‌گیری رابطه‌ای تقویتی برقرار است.

واژگان کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، جوانان آذری‌زبان، شهر زنجان

مقدمه

هویت به عنوان ابزار تمایز و تشابه، به شناخت جهت می‌دهد. هر فرد به واسطه‌ی سرشت مدنی، ناگزیر از پذیرش هویت‌های گوناگون در سطوح مختلف است. سطوح هویتی فردی، قومی، ملی، فراملی و فروملی، سلسله مراتب هویتی فرد را تشکیل می‌دهند که برخی از آن‌ها اکتسابی و انتخابی و برخی دیگر ذاتی و غیراکتسابی هستند. هر هویتی عناصر و مؤلفه‌های خاص خود را دارد که برخی از آن‌ها بین هویت‌های گوناگون مشترک هستند. برای نمونه، می‌توان به اشتراک برخی مؤلفه‌های هویتی بین هویت ملی و هویت قومی اشاره نمود.

هویت قومی به‌عنوان بخشی از خودانگاره‌ی فردی، با منشأ آگاهی از عضویت در یک گروه قومی به‌اضافه‌ی علائق و دلبستگی معنوی ارزشی و انگیزشی به این عضویت تعریف شده است. هویت قومی به‌مثابه بخشی از سیستم فردی هویت مانند سایر ساختارهای شناختی، همچون یک فرایند مستقیم و سازمانده‌ی شده‌ی اطلاعات عمل می‌کند. هرچه احساس هویت قومی بین یک گروه جمعیتی قوی‌تر باشد، تمایل به جریان یافتن اطلاعات دلالت‌کننده‌ی هویت قومی آن‌ها به محیط‌های بیرونی افزایش خواهد یافت. علاوه بر این، هویت قومی با شماری از فرایندهای عاطفی و انگیزشی نیز در ارتباط است. احساس هویت قومی با خودبینی، خوش‌بینی، احساس داشتن سلطه و تمایلات مستبدانه مرتبط است که این موضوع در ارتباط منفی با تشویش و حقارت قرار دارد. سرانجام، هویت قومی در ارتباط با روشی است که افراد طی آن با همدیگر در کنش متقابل به سر می‌برند. افرادی که از احساس هویت قومی بالاتری برخوردارند، احساس نزدیکی بیشتری به قوم خود دارند و در کنش متقابل با دیگر اعضای گروه قومی خود لذت بیشتری می‌برند (Sandra and Michele, 2003:397). تحقیقات بین‌المللی در مورد هویت قومی، این نکته را روشن ساخته است که گروه‌های اقلیت^۱ نسبت به گروه‌های اجتماعی مسلط از تمایل و احساس هویت قومی قویتری برخوردار هستند (ward, 2006:244).

هویت ملی با مفهوم دولت در هم آمیخته است. از نظر هگل دولت تجسم اخلاق و ملت تجلی هویت مشترک افراد تحت امر آن است. (سیف‌زاده، ۱۳۸۹، ۲۱۸) دولت، به شکل جدید، از زمان انعقاد قرارداد صلح وستفاليا در سال ۱۶۴۸ پا به عرصه‌ی وجود نهاد و پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ روند پیدایش دولت-ملت تکمیل گردید (قوام، ۱۳۸۴، ۱۴۱). به این ترتیب، هویت ملی به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و سیاسی، زاده‌ی عصر مدرن اروپایی است که از سده هفدهم آغاز شده است. این مفهوم اواخر قرن نوزدهم و به‌خصوص بعد از دو جنگ جهانی به کشورهای جهان سوم و تازه‌استقلال یافته راه پیدا کرد و با شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن پدیدار شد (احمدلو، ۱۳۸۱:۱۱۷).

اشتراکات هویتی بین اقوام مختلف ایرانی موجب گردیده است تا مجموعه‌ای از

هویت‌های قومی در کنار یکدیگر مانند تار و پود فرشی زیبا، به هویت ملی ایران شکل دهند. انسجام ملی در طول دوره‌های تاریخی گوناگون، ریشه در این اشتراکات هویتی دارد. این انسجام به نوبه‌ی خود در حوادث و رویدادهای مهم دوره‌های تاریخی مختلف در مردم زنجان نمودار گردیده است. سیال بودن هویت‌ها و ساختار ژله‌ای آنها در عصر جهانی شدن، سنجش و ارزیابی مستمر نوع و میزان جهت‌گیری گروه‌های جمعیتی در خصوص رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی را برای شناخت روندهای سیاسی-اجتماعی ضروری ساخته است. از همین رو، پژوهش حاضر در نظر دارد تا نوع و میزان جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی را بین جوانان آذری‌زبان شهر زنجان مورد سنجش قرار دهد.

روش تحقیق

در بخش اول پژوهش حاضر کوشش گردیده است، با روش کتابخانه‌ای، مدلی مفهومی از انواع جهت‌گیری‌های رابطه‌ای بین هویت‌های ملی و قومی ارائه شود. برای این منظور در ابتدا، عناصر و مؤلفه‌های هویت قومی و هویت ملی مورد کنکاش قرار گرفتند، سپس با در نظر گرفتن مؤلفه‌های اختصاصی و مشترک بین این دو هویت، چهار جهت‌گیری تقویتی، تخریبی، توازی و تلفیقی برای تعریف رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی از هم متمایز شدند.

در بخش دوم، به منظور ارزیابی نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی در جامعه آماری این تحقیق از روش پیمایشی استفاده شده است. پس از تعیین جامعه آماری، موارد لازم در یکی از کدهای مرتبط با «واگرایی هویت قومی از هویت ملی» یا «همگرایی هویت قومی با هویت ملی» ثبت گردید. به این ترتیب، از طریق آزمون روایی، پرسشنامه‌ی حاوی سوالات طراحی شده بر پایه‌ی مؤلفه‌های مشخص شده، با رعایت متغیرهای شناسایی (جنسیت، وضعیت تأهل، اشتغال، سطح سواد و...) به صورت تصادفی بین جمعیت نمونه توزیع گردید. در ادامه تلاش شد تا میزان هویت ملی یا احساس تعلق، وفاداری و وابستگی افراد به جامعه ملی و نیز میزان هویت قومی یا احساس تعلق، وفاداری و وابستگی افراد به اجتماع محلی و قومی میان جوانان زنجان مورد سنجش قرار گیرد. لازم به ذکر است که برای آزمون روایی پرسشنامه و استاندارد کردن گویه‌ها، ابتدا یک پیش‌آزمون از آن به عمل آمد تا گویه‌های زائد حذف گردد. برای آزمون روایی گویه‌ها، از آلفای کرونباخ^۲ استفاده گردید که در واقع همبستگی درونی گویه‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد.

چارچوب نظری

۱. عناصر و مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی

هویت قومی از هویت‌های میانی در عصر مدرنیته به شمار می‌آید که فراتر از هویت فردی و فروتر از هویت ملی قرار دارد. از همین رو، این هویت دارای مؤلفه‌های مشترکی با هویت ملی است. عناصر و مؤلفه‌هایی از قبیل فرهنگ، تاریخ، زبان، مکان، مذهب، نژاد و... در محدوده‌ی اشتراک این دو هویت قرار گرفته‌اند. این در حالی است که

هویت ملی، به دلیل برخی کارویژه‌های خاص خود، واجد برخی عناصر و مؤلفه‌های هویتی اختصاصی است. انحصار مشروع وسایل اجبار و به کارگیری زور، شناسایی به عنوان واحد اجرایی و تصمیم‌گیرنده در واحد سرزمینی خاص توسط دیگر واحدهای بین‌المللی، از جمله عواملی هستند که بسیاری از مؤلفه‌های اختصاصی هویت ملی از آن‌ها ناشی می‌شوند. در ادامه برخی از عناصر و مؤلفه‌های مشترک بین هویت ملی و هویت قومی و نیز برخی عناصر و مؤلفه‌های اختصاصی هویت ملی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. عناصر و مؤلفه‌های مشترک بین هویت ملی و هویت قومی

۱-۱-۱. فرهنگ

برخی فرهنگ را مجموعه‌ای از خاطرات، تصورات، ارزش‌ها، نشانه‌ها، برداشت‌ها، تعبیرات، نوآوری‌ها و کشفیاتی دانسته‌اند که برای حفظ جوامع انسانی به کار برده می‌شوند تا با یکدیگر یک امت و یا چیزی معادل آن را با هویتی تمدنی و در چارچوبی از پیشرفت‌های دینامیک داخلی، برای رسیدن به یک داد و ستد تشکیل دهند (مقصودی، ۱۳۸۰، ۱۷۹). جامعه و فرهنگ، به دلیل آن‌که، نه فرهنگ بدون جامعه موجودیتی دارد و نه جامعه بدون فرهنگ دارای هستی خواهد بود، طی فرآیندی به هم پیوسته در کنش متقابل مستمر با یکدیگر هستند. به خصوص این‌که فرهنگ یا محصولات آن، ابزارهای متنوعی برای نگهداری و محافظت از جوامع به‌شمار می‌آیند. بنابراین، نوعی وابستگی متقابل و موجودیت موازی بین محصولات فرهنگی و ساختار اجتماعی برقرار است (Kasapoglu and C.Ecevit, 2004: 137).

۱-۱-۲. تاریخ

هویت بر تداوم استوار است و تداوم هم در چارچوب زمان معنا می‌یابد. زمان نیز پیوستاری از گذشته‌هایی است که به آینده ختم می‌شوند. بر همین اساس، آنتونی اسمیت^۳ در اثر خود «ناسیونالیسم؛ نظریه، ایدئولوژی، تاریخ» بیان می‌دارد که ما در خاطره و قضاوت آیندگان زندگی می‌کنیم (اسمیت، ۱۳۸۲، ۴۸). وی هم‌چنین در رجوع به نظریه «اجتماعات خیالی»^۴ بندیک اندرسون^۵ (۱۹۹۱) مدل ملی قومی را نیازمند ادعای تاریخی-قومی می‌داند که گذشته (حافظه‌ی جمعی) را به زمان حاضر پیوند می‌دهد. گذشته‌ای که تمام اعضا می‌توانند خود را با آن معرفی و به آن مباحث کنند. این گذشته‌ی طلایی (چه واقعی و چه جعلی) ابزار قدرتمندی برای تعیین محدوده‌ی فضای اجتماعی ملت محسوب می‌گردد (Clayton, 2002: 821).

منشأ پیدایش قوم یا ملت یکی از مباحث بسیار مهم در مقوله‌ی هویت قومی و هویت ملی است که ابتدای خط سیر زمان برای هویت جمعی را مشخص می‌کند. هویت ملی در اکثر موارد مبتنی بر دولت-ملت است، ولی مواردی نیز وجود دارند که فرایند ملت‌سازی مدت‌ها قبل از دوران پیدایش ساختار دولت-ملت گذرانده شده است

3 Smith, Anthony D

4 imagined communities

5 Benedict Anderson

(Thompson1, 2002: 5). توجه به این نکته ضروری است که همگونگی اجتماعی در کشورهای اروپایی محصول کارویژه‌های حکومت‌های مطلقه^۶ در قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ در این کشورها است. در سده‌های پس از رنسانس، به‌ویژه یکپارچگی مذهبی که در معاهده‌ی وستفاليا مورد تأیید همه‌ی شاهان قرار گرفت و براساس آن مردم مخیر بودند مذهب پادشاه را پذیرفته و بمانند یا مذهب خود را حفظ کرده و ترک وطن نمایند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۶).

تاریخ هر قوم و ملتی به عنوان شریان هویتی آن قوم یا ملت، عنصر مکان را با عنصر زمان در هم می‌آمیزد. تاریخ ملی دربرگیرنده همه‌ی وقایع و رویدادهای مهم اقوام زیرمجموعه‌ی سرزمین ملی نیز هست. برهمن اساس، وقایعی که تاریخ در چارچوب ملی با آن‌ها روبرو بوده است، از لحاظ تعداد، اهمیت و گستردگی بسیار فراتر از خاطرات قومی هستند. به همین دلیل، ثبت حوادث و رویدادهای ملی با خاطرات حوادث و رویدادهای قومی متفاوت است. حوادث و رویدادهای معمولی افراد زیرمجموعه‌ی یک قوم، به صورت سینه‌به‌سینه و دهان‌به‌دهان از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شوند، به طوری که اغلب قوم‌ها فاقد تاریخ مکتوب مدون هستند. این در حالی است که تاریخ ملی برعکس خاطرات قومی، پر از رویدادها و حوادث سرنوشت‌ساز و با اهمیتی است که معطوف به روابط قدرت ملی و فراملی بوده و رویدادهای مهم در محدوده‌ی اقوام زیرمجموعه‌ی دولت-ملت را نیز دربرمی‌گیرد. تاریخ ملی به نوعی انعکاسی از روندهای سلطه در طول زمان‌های متمادی است. به تعبیر میشل فوکو^۷ تاریخ داستان ترقی عقل کلی نیست، بلکه عرصه‌ی عملکرد مراسم قدرت است (دریفوس، ۱۳۷۹: ۲۱۷).

۳-۱-۱. زبان

نقش زبان در ساختن هویت، یکی از مهم‌ترین بحث‌های نظری مدرن و فرامدرن مسأله‌ی هویت است. ساختارگرایی و پساساختارگرایی، با قاطعیت خاص بر نقش سازنده‌ی زبان و نمایندگی در ساختن هویت تأکید می‌کنند. کار سوسور^۸ بر چگونگی شکل گرفتن و تولید معنی در زبان تأکید می‌کند (احمدی، ۱۳۸۸، ۵۰). اغلب منابع به صورت کلی زبان‌های زنده جهان را که دارای گویش‌ور هستند ۶۰۰۰ زبان برآورد می‌نمایند و این در حالی است که بسیاری از زبان‌ها از سوی زبان‌شناسان موردشناسایی قرار نگرفته‌اند. ۹۵ درصد از این زبان‌ها فقط توسط ۴ درصد از مردم جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند و ۹۶ درصد جمعیت جهان تنها با ۵ درصد یعنی ۳۰۰ زبان سخن می‌گویند. امروزه کمتر از ۱۰۰ زبان به عنوان زبان ملی در کشورهای جهان به رسمیت شناخت شده است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

ایدئولوژی یک دولت/یک زبان/ یک ملت^۹ نظریه‌ای است که براساس آن یک

6 Absolutist

7 Michel Foucault

8 Ferdinand de Saussure

9 The "One State–One Nation–One Language" Ideology

دولت-ملت باید زیر چتر یک زبان عمومی قرار بگیرد. در طول تاریخ معاصر، یعنی پس از خیزش دولت-ملت‌های اروپایی و آمریکایی در قرون ۱۸ و ۱۹ و در جریان شکل‌گیری دولت-ملت‌های مستقل آفریقایی و آسیایی در اواسط قرن ۲۰ تاکنون، این ایدئولوژی سلطه‌ی خود را حفظ کرده است (Horenberger, 2001: 3). در سال ۱۷۸۹ فقط ۵۰ درصد ساکنین کشور فرانسه به زبان فرانسوی سخن می‌گفتند و در شمال و جنوب این کشور تقریباً کسی به این زبان تکلم نمی‌کرد. به هنگام یگانگی ایتالیا (۱۸۶۰) نیز فقط ۲/۵ درصد مردم این کشور زبان ایتالیایی را می‌فهمیدند (انتخابی، ۱۳۷۳: ۱۸۰).

زبان، اغلب یکی از قوی‌ترین نشانه‌های هویتی است که با فرهنگ درهم تنیده است. خیزش ناسیونالیسم عموماً با تلاش برای همگون‌سازی تحمیلی گویش زبان ملی به زبان‌های دیگر همراه بوده است. براساس فرضیه‌ی اصلی ارنست گلنر^۱، انتقال از فرهنگ جوامع کشاورزی به صنعتی نیازمند استانداردسازی سرتاسری سیستم آموزش عمومی براساس زبان ملی است و این استانداردسازی تنها با تضمین دولت-ملت ممکن می‌شود. سیستم آموزشی و دولت-ملت کاملاً به هم وابسته‌اند، به طوری که یکی بدون دیگری نمی‌تواند وجود داشته باشد (Kolossoy, 1999: 75).

در سطح تحلیل میانی، زبان ملی به عنوان عنصر اساسی ارتباطات و شکل‌گیری انسجام ملی است. افراد یک قوم معمولاً به زبان مرسوم قومی صحبت می‌کنند، این در حالی است که برقراری ارتباط و شکل‌گیری فهم درست بین افراد جوامع چند قومی، یا مستلزم آشنایی همه به کلیه‌ی زبان‌ها است یا این‌که براساس یک قرارداد نانوشته ولی عقلانی، همه‌ی تعاملات، ارتباطات و مبادلات، در قالب یک زبان رسمی انجام پذیرد. از آنجایی‌که اولاً برقراری تعامل بین اقوام گوناگون با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است و ثانیاً امکان یادگیری همه‌ی زبان‌ها توسط کلیه‌ی افراد جامعه در عمل غیرممکن است، از همین‌رو یادگیری و تکلم کلیه افراد جامعه ملی به یک زبان رسمی در واحد ملی از نظر عقلانی ضروری است. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که، زبان رسمی نباید مایه‌ی برتری و امتیاز کسانی باشد که به‌صورت مادرزادی به این زبان تکلم می‌کنند. چراکه این مسأله، فلسفه‌ی زبان ملی را زیر سؤال برده و انسجام ملی را با خطر جدی روبرو خواهد ساخت.

در سطح تحلیل خرد، زبان‌های قومی از عناصر مستحکم هویت قومی به شمار می‌آیند. از آنجایی‌که هر زبان از افق معنایی خاص خود برخوردار است، اعضای قوم درون واحد دولت-ملت به دلیل تسلط و تکلم به دوزبان، از افق دید بالاتری نسبت به کسانی که تنها به یک زبان مسلط هستند، برخوردارند. تا زمانی که زبان قومی در رابطه با زبان رسمی ملی به صورت مکانیکی تحقیر نشود، امتزاج افق‌های زبانی زمینه را برای غنی‌سازی فرهنگی در مناطق قومی فراهم خواهد آورد که این غنای فرهنگی دوباره در رابطه‌ی دیالکتیکی موجب غنای بیشتر فرهنگ ملی خواهد شد.

۴-۱-۱. مکان و سرزمین

مکان به عنوان کانون عناصر تعلق قومی به شمار می‌رود، به طوری که زمان، نژاد، فرهنگ و دیگر عناصر تعلق قومی در مکان به همدیگر می‌رسند و هویت ملی یا قومی را بر می‌سازند. تعلق به سرزمین خاص، تجسم بخش اعظم هویت فردی است. تاریخ، به مثابه رویدادهای گذشته در گذر زمان، در بستر مکان معنا می‌یابد و تفسیر می‌شود. این مطلب تأییدکننده‌ی این سخن کاستلز "در کتاب عصر ارتباطات و هویت‌یابی است که می‌نویسد: "بر خلاف اکثر نظریه‌های اجتماعی کلاسیک که فرض را به تسلط زبان بر مکان می‌گذارند، من این فرضیه را مطرح می‌کنم که مکان، زمان را در جامعه‌ی شبکه‌ای سازمان می‌دهد" (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۴۰).

مکان و سرزمین، نه تنها با ممکن کردن مرزبندی‌های عینی، نیاز به تمایز اجتماعی را برآورده می‌کند، بلکه با تقویت مرزهای اجتماعی و فرهنگی، هویت‌سازی تاریخ‌محور را نیز تسهیل می‌نماید. در جوامع سنتی این مرزها کم‌وبیش به هم منطبق بوده و همواره یکدیگر را تقویت کرده‌اند. حتی مرزهای سیاسی و ملی هم در انطباق با مرزهای مکانی و سرزمینی توانایی هدایت بخشی بیشتری کسب می‌کنند. مکان نه تنها مرزپذیر و قابل تحدید است، بلکه ثبات نیز دارد. بنابراین، با تأمین نیاز به داشتن تداوم و پایداری، از این لحاظ هم منبعی مهم در تأمین هویت به شمار می‌آید (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۰). مکان در پیوند شبکه‌ای با دیگر عناصر تعلق قومی یا ملی، نقش انسجام‌بخشی به گروه جمعیتی را در سایه‌ی ثبات حاکم بر آن ایفا می‌کند. پس از شکل‌گیری هویت و تکوین آن است که مکان، خود به عنوان نمادی توسط عناصر تعلق زبانی و فرهنگی ترویج می‌شود. رابطه‌ی عنصر هویتی سرزمین با قدرت منحصر مسلط، نقش برجسته‌ای در غالب شدن ساختار هویتی خاص به وسیله صاحبان قدرت دارد. علاوه بر این، شرایط اقلیمی و جغرافیایی در سرزمین‌های گوناگون موجب ایجاد تغییرات ظاهری در مردم بومی می‌شود و به مرور همین تفاوت‌های ظاهری به مثابه ساختار تمایز و تشابه گروه‌های جمعیتی مختلف عمل نموده و در شکل‌دهی به هویت آن‌ها اثرگذار می‌شود.

۵-۱-۱. مذهب

مذهب یکی از عناصر اصلی هویت بخش انسان است که او را به متافیزیک و ماورای طبیعت رهنمون می‌سازد. مذهب با تأثیری که در شیوه‌ی زندگی انسان‌ها دارد، هویت آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مساجد، کلیساها، کنیسه‌ها و معابد به جای مانده در نقاط مختلف، نشان‌دهنده‌ی این تأثیر هستند. به طور کلی، عمومیت یافتن مذهبی در یک کشور، به طرح مذهب رسمی خواهد انجامید. هر چه عمومیت یک مذهب در گستره‌ی جغرافیایی کشوری بالاتر باشد، تعداد بیشتری از افراد جامعه متمایل به عمومیت یافتن ارزش‌ها و هنجارهای خاص آن مذهب در جامعه خواهند بود و هر چه ارزش‌ها و هنجارهای یک مذهب از عمومیت بیشتری در جامعه برخوردار باشد، آن مذهب در چارچوب هویتی جامعه نقش بیشتری ایفا خواهد کرد. در تعارض بین

ارزش‌های مذهبی، نقش نخبگان سیاسی و مذهبی بسیار برجسته است. در چنین شرایطی اگر منطق گفتگو در فضای مفاهمه و انصاف به همراه مسامحه و انعطاف، به‌دور از فشار سلطه بین نخبگان مذهبی برقرار شود، احتمال حل تعارضات مذهبی و در نتیجه افزایش انسجام ملی بالاتر خواهد رفت. در غیر این صورت منطق سلطه و مقاومت در طول زمان، این مسأله را حل خواهد نمود.

مذهب در کشورهایی همچون عربستان، ایران و عراق از جمله بنیادی‌ترین عناصر هویتی محسوب می‌شود. واقع شدن مسجدالحرام در عربستان و مزار تعدادی از ائمه اطهار در عراق و نیز وجود اماکن متبرکه و زیارت‌گاه امام هشتم در ایران نقش ویژه‌ای در ترویج نقش مذهب به عنوان یکی از عناصر مهم هویتی در این کشورها داشته‌اند. این مسأله تا به آنجا اهمیت دارد که برخی از مناطق آذری‌نشین ایران، به وسیله غلظت باورهای مذهبی، از هویت مذهبی عمیقی برخوردار گشته‌اند که زبان و فرهنگ آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده است.

۶-۱-۱. نژاد

گروه‌های نژادی و گروه‌های قومی متمایز از یکدیگرند، به این ترتیب که گروه نژادی بر مبنای ویژگی‌های زیست‌شناختی طبقه‌بندی می‌شود، در حالی که گروه قومی براساس ویژگی‌ها و شناسه‌های فرهنگی مشخص می‌گردد. از لحاظ فنی، گروه‌هایی که براساس رنگ پوست یا شکل صورت دسته‌بندی می‌شوند، گروه‌های نژادی نام دارند، حال آن‌که تقسیم گروه‌ها براساس ملیت یا مذهب را گروه‌های قومی می‌خوانند (مقصودی، ۱۳۸۰: ۹۷). برخی از تفاوت‌های فیزیکی آشکار میان انسان‌ها موروثی است. تفاوت‌های نژادی را باید یک سری اختلافات فیزیکی دانست که اعضای یک اجتماع یا جامعه آن‌ها را از جنبه قومی مهم تلقی می‌کنند. برای مثال، تفاوت در رنگ پوست اغلب به این ترتیب مهم تلقی می‌گردد، در صورتی که تفاوت در رنگ مو مهم دانسته نمی‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۸۰). امروزه امتزاج نژادها به وسیله مهاجرت، جنگ، ارتباطات گسترده اجتماعی و مسائلی از این قبیل، فرضیه نژاد خالص را به حاشیه رانده است. از همین رو، مبنای گروه‌های قومی امروزی را باید فرهنگی-اجتماعی دانست که برپایه‌ی یک‌سری شکاف‌های اقتصادی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، پیشینه تاریخی و... از همدیگر متمایز شده‌اند.

اگر مردم در یک واحد ملی احساس کنند که منشأ نژادی واحدی دارند، نژاد به عنوان یکی از عناصر قوی هویت ملی کارکرد انسجام‌بخشی خواهد داشت. تاجایی که، گاه ممکن است ملی‌گرایی به شکلی از نژادپرستی جلوه‌گر شود. بر پایه‌ی همین حقیقت، نخبگان طرفدار ناسیونالیسم قومی، از یک طرف با وارد آوردن اتهام نژادپرستی به دولت‌ها مظلوم‌نمایی می‌کنند و از سوی دیگر بر نژاد خاص قوم خود در جهت تمایز و برتری طلبی قومی تأکید می‌ورزند.

۲-۱. عناصر و مؤلفه‌های اختصاصی هویت ملی

ملیت و هویت ملی واژه‌های جدیدی با مؤلفه‌های زیر هستند که بعد از پیدایش دولت‌های اروپایی و گسترش احساسات ناسیونالیستی وارد واژگان علوم اجتماعی شده‌اند.

۱-۲-۱. حاکمیت و استقلال (شناسایی دوژور^{۱۲})

حاکمیت در حقوق عمومی، به معنای قدرت برتر، مطلق و انحصاری کشور است که قوانین و مقررات یک کشور از این اراده‌ی برتر سیاسی سرچشمه می‌گیرند. در نظام بین‌الملل نیز حاکمیت به معنای عدم وابستگی به قدرت‌های دیگر است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). عدم وابستگی به قدرت‌های دیگر با مفهوم استقلال و به رسمیت شناخته شدن این استقلال توسط دیگر واحدهای بین‌المللی در ارتباط است. هنگامی که کشور جدیدی در صحنه‌ی بین‌المللی ظاهر گردد، کشورهای ثالث به منظور برقراری ارتباط با آن کشور، می‌بایست آن را به رسمیت شناخته و موجودیت این کشور را تأیید نمایند. نهاد حقوق بین‌الملل در اجلاس سال ۱۹۳۶، موضوع شناسایی را مورد بررسی قرار داده و آن را چنین تعریف نموده است: "شناسایی عملی است که به موجب آن کشورهای قدیمی وجود یک جامعه سیاسی جدید و مستقل را که قادر به رعایت حقوق بین‌الملل است، در سرزمین معینی تصدیق و تأیید می‌کنند و در نتیجه اراده‌ی خود را دایر به شناسایی آن به عنوان عضو جامعه بین‌المللی اعلام می‌دارند" (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۸: ۱۳۹).

از آنجایی که ملت با دولت هم‌بسته است و دولت متشکل از نهادهایی است که در یک واحد سرزمینی مشخص، دارای حاکمیت و حکومت است، هویت ملی مفهومی ساختارمند و مرکزگرا است که اقوام زیرمجموعه‌ی دولت-ملت نیز در این چهارچوب جای می‌گیرند. این در حالی است که مفهوم قوم پیش‌تر مفهومی فرهنگی-اجتماعی است تا حقوقی-سیاسی و بیشتر به سمت هویت ملی گرایش دارد.

آنتونی اسمیت منظور از هویت ملی را وجود احساس اجتماع سیاسی دانسته است که به نوبه‌ی خود حداقل دارای برخی نهادهای مشترک و مجموعه‌ی واحدی از حقوق و وظایف برای اجتماع است. اجتماع سیاسی همچنین به یک فضای اجتماعی قطعی، یک سرزمین برخوردار از مرزهای شناخته شده اشاره می‌کند که اعضا به وسیله‌ی آن خود را تعریف کرده و به آن احساس تعلق می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۶). هویت ملی و احساس تعلق به آن، از وجود یک واحد سرزمینی شناخته شده و دولت یا نظامی سیاسی ناشی می‌شوند که رهبری این واحد را بر عهده دارد (همان، ۶۴).

۲-۲-۱. حکومت

اصطلاح حکومت یکی از معمول‌ترین مفاهیمی است که به صورت هم معنا با مفهوم دولت به کار برده می‌شود. در واقع کلمه‌ی حکومت خود بسیار قدیمی‌تر از اصطلاح دولت و یا دستگاه اداری است. اگر چه معانی ارائه شده از حکومت

ارتباط مستقیم و ذاتی با دولت ندارند، با این وجود از آن جایی که زندگی ما در درون چهارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد و نیز دولت به‌رغم پیچیدگی، واقعیت روزمره‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت (وینسنت، ۱۳۷۶: ۵۵).

تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی دولت بر مناطق مختلف قومی، سبب ایجاد ویژگی‌های فرهنگی مشترکی در سراسر کشور می‌شود. حکومت با تأثیری که بر نظام آموزشی کشور دارد، در شکل‌گیری هویت ملی نقش ایفا می‌کند. نظام آموزشی متأثر از برنامه‌های حکومت، نوعی وحدت رویه آموزشی را در مناطق مختلف قومی ایجاد می‌کند و از طریق رسانه‌های عمومی به روند جامعه‌پذیری شهروندان جهت می‌دهد.

۳-۲-۱. سیستم اقتصاد ملی

پس از اختراع پول، خرید و فروش جای مبادله‌ی پایاپای کالاها را گرفت. در هر قلمرویی، ضرب پول علاوه‌براین که یک نیاز و ضرورت محسوب می‌شد، به عنوان نمادی بود که قدرت حاکمیت مسلط را منعکس می‌کرد. تداوم این وضعیت را می‌توان در نمادهای ملی چاپ‌شده در اسکناس‌های هر کشور مشاهده کرد. امروزه در هر کشوری واحد پول معینی رواج دارد که این واحد پول به‌نوعی هویت آن کشور نیز محسوب می‌گردد. علاوه‌براین، سیستم اقتصادی کشورها مبتنی بر ماهیت حاکمیت هر کشوری تا اندازه‌ای متفاوت است. ماهیت کم و بیش متفاوت سیستم اقتصادی در کشورهای مختلف، نوعی ناهمسانی را بین واحدهای بین‌المللی به وجود آورده است. این ناهمسانی و تفاوت به نوبه خود نوعی هویت اختصاصی برای کشورها ایجاد نموده است.

هر کشوری با توجه به منابع، منافع و سیستم اقتصادی خود، زمینه بر ساخته شدن روش‌ها و منش‌های سیاسی و فرهنگی را به وجود می‌آورد. بنابراین سیستم اقتصادی به عنوان یک عامل مهمی شناخته می‌شود که نقشی غیرمستقیم در شکل‌گیری هویت ملی دارد.

۴-۲-۱. سیستم دفاعی و ارتش

تقریباً همه‌ی کشورها برای دفاع از سرحدات و برقراری نظم اجتماعی ارتش ملی را به خدمت می‌گیرند. ارتش و نیروهای مسلح کشور در عصر مدرنیته به صورت نهادهایی هستند که نیروهای انسانی متخصص را برای برقراری امنیت ملی به استخدام خود در می‌آورند، یا این که پس از استخدام نیروهای عمومی غیرماهر، جهت فراخوان در مواقع جنگ و بحران، به آموزش آن‌ها می‌پردازد.

جنگ بخشی از تاریخ اغلب کشورها را تشکیل داده است که در نتیجه‌ی آن، شکل بسیاری از مرزهای جغرافیایی تغییر کرده و برخی زبان‌های بومی از بین رفته‌اند. چنین تجربیات بشری، دولت‌ها را ناگزیر از تشکیل ارتش ملی نموده است. بر اساس نظریات رئالیستی، در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل قانون زور حاکم است و هر دولتی که قدرت بیشتری داشته باشد، امتیازات بیشتری را به دست می‌آورد و دولت‌ها ناگزیر از

تکيه بر اصول خودیاری^{۱۳} و بازی حاصل جمع صفر^{۱۴} هستند. از همین رو، دولت‌ها همواره به دنبال پیشینه‌سازی قدرت ملی خود هستند. ساختار دفاعی و ارتش به دلیل تأکید بر وجهه‌ی ملی دولت‌ها و توجه به دشمنی واقعی یا فرضی که همواره مرزهای ملی را تهدید می‌نماید، نوعی یکپارچگی و وحدت را در دولت القاء می‌نماید. بر همین اساس ارتش و دیگر نهادهای نظامی قسمتی از هویت ملی یک کشور را تشکیل می‌دهند. ماکس وبر^{۱۵} دولت را نهاد سیاسی اجباری و دارای سازمانی مستمر و پیوسته می‌داند، تاجایی که خود و مقامات اداری آن، از حق انحصاری استفاده از زور در اجرای دستورها برخوردارند (راش، ۱۳۸۱: ۲۰). با این تعریف، ارتش ملی با هویت ملی پیوند می‌خورد و ارتش به‌عنوان نهادی بی‌طرف در سیاست‌ها و رقابت‌های داخلی معین می‌گردد که در مواقع به خطر افتادن ارکان دولت وارد عمل می‌شود.

۲. جهت‌گیری‌های رابطه‌ای هویت قومی و هویت ملی

عناصر و مؤلفه‌های مشترک بین هویت ملی و هویت قومی نشان‌دهنده‌ی وجود ارتباطی است که بین این دو هویت می‌تواند وجود داشته باشد. چگونگی این ارتباط به ساختار محیطی و کارگزاران هویتی بستگی دارد که در مجموع به جهت‌گیری رابطه‌ای بین این دو سطح از هویت شکل می‌دهند. دولت‌ها با سیاست‌های مدیریت قومی و جمعیت‌های قومی از طریق مؤلفه‌های هویتی و جهت‌گیری‌ها نسبت به نظام سیاسی به مثابه کارگزاران هویتی هستند که در کل ساختمان ساختار هویتی را در جامعه شکل می‌دهند.

گیدنز^{۱۶} سه مدل را برای مدیریت تحولات روابط قومی آینده‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا پیش‌بینی کرده است. یکی از این مدل‌ها، همانندگردی است، به این مفهوم که مهاجران عادات و رسوم اولیه‌ی خود را رها می‌کنند و رفتارهای خود را در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل می‌دهند. در مدل دوم یعنی درهم‌آمیزی، به جای این که سنت‌های مهاجران در ارزش‌های مسلط جمعیتی که از قبل وجود داشته محو شود، همه باهم آمیخته شده، الگوهای فرهنگی جدید و تکامل‌یافته‌ای را تشکیل می‌دهند. بسیاری عقیده دارند که این مطلوب‌ترین نتیجه گوناگونی قومی است. از منظر مدل سوم، یعنی کثرت‌گرایی فرهنگی، مناسب‌ترین مسیر، کمک به توسعه‌ی یک جامعه‌ی حقیقتاً چندقومی است که در آن، اعتبار مساوی خرده‌فرهنگ‌های متعدد گوناگون به رسمیت شناخته شده است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۳۰۸).

از بین مدل‌های ارائه‌شده توسط گیدنز، کثرت‌گرایی فرهنگی و تا حدودی درهم‌آمیزی (به ویژه در برخی کلان‌شهرها) قابلیت پیاده شدن در جامعه ایرانی را دارند. اگر چه در مدل‌های ارائه شده توسط گیدنز، روابط بین هویت‌های قومی با یکدیگر از برجستگی بیشتری نسبت به روابط بین هویت‌های قومی و هویت ملی برخوردارند، دولت‌ها نقش

13 self-help

14 Zero-Sum Game

15 Max Weber

16 Anthony Giddens

قابل توجهی در بستر پیاده‌سازی این مدل‌ها دارند.

بخش دیگر کارگزاران هویتی تأثیرگذار در نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت ملی و هویت قومی را اقوام ایرانی تشکیل می‌دهند و در این میان، جوانان به دلیل برخورداری از پتانسیل تحول و دگرگونی، تغییر سمت‌وسوها و جهت‌گیری‌ها را بیش از گروه‌های سنی دیگر نمایش می‌دهند. بر همین مبنا، این پژوهش به دنبال روشن ساختن نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت قومی و هویت ملی بین جوانان شهر زنجان برآمده و بر اساس استنتاج عقلانی، می‌توان چهار نوع جهت‌گیری رابطه‌ای تقویتی، تخریبی، توازی و تلفیقی را برای رابطه بین هویت قومی و هویت ملی ترسیم نموده است.

۱-۲. جهت‌گیری همبستگی و تقویتی

این جهت‌گیری در نتیجه‌ی تعامل مثبت ساختار و کارگزار میسر می‌گردد که ریشه در زیربنای ارزش‌ها و مؤلفه‌های مشترک هویت‌های قومی و ملی دارد. در این جهت‌گیری، مؤلفه‌های مشترک هویتی تقویت شده و نوعی همپوشانی نگرشی بین کارگزاران هویتی در سطوح قومی و ملی ایجاد می‌شود. در چنین ساختاری، افراد احساس وفاداری بیشتری نسبت به هویت ملی بروز می‌دهند. به‌همین ترتیب، نخبگان با تأکید بر ارزش‌های قومی و هنجارهای ملی، هویت قومی را هم‌راستا و هم‌جهت با هویت ملی تعریف می‌کنند.

۲-۲. جهت‌گیری توازی

این جهت‌گیری در شرایطی نمایان می‌شود که مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی هر کدام در فضایی تکرگرایانه و مستقل از همدیگر جریان داشته باشند. به طوری که فقدان اشتراک در مؤلفه‌های هویتی به افتراق نیز نیانجامد و تفاوت‌ها به صورت تعارض تعریف نشوند. این وضعیت در کشورهای دارای ثبات اجتماعی و تعادل سیاسی می‌تواند بدون بروز کوچک‌ترین تهدیدی برای انسجام ملی تداوم یابد، ولی در شرایط بی‌ثبات و بحران، مانند وضعیت نامطلوب اقتصادی، بحران مشروعیت، ضعف حکومت مرکزی، تهدید مداوم بیگانگان و... مؤلفه‌های هویتی که هیچ‌گونه تقابلی در سطوح ملی و قومی نداشتند، از سوی قوم‌گرایان بازتعریف شده و به شکل شکاف‌های هویتی درخواهند آمد.

۳-۲. جهت‌گیری تخریبی و رو در رویی

رو در رو شدن هویت ملی و هویت قومی می‌تواند خفته و نهفته یا فعال و نمایان باشد و ریشه در استعمار یا اشغال سرزمینی، مرزهای تحمیلی، رقابت‌های تاریخی اقوام همجوار، اختلاف‌های فرهنگی و عقیدتی بین گروه‌های قومی داشته باشد. این تضاد هویتی همچنین می‌تواند محصول تعاریف متعارض مؤلفه‌های هویتی توسط کارگزاران هویت قومی باشد.

نخبگان قومی و غیرقومی در برخی موارد به‌رغم فقدان تضاد و تعارض در عناصر هویتی قومی و ملی با یکدیگر، تلاش می‌نمایند تعریفی متعارض از آن‌ها ارائه نمایند.

این تضاد در جریان رقابت‌های ناسالم سیاسی، دخالت نیروهای بیگانه، تسری قوم‌گرایی از آن سوی مرزهای ملی، تضاد فاحش اقتصادی در دوسوی مرزهای تاریخی تحمیلی، تبعیض‌های مثبت و منفی اقتصادی و سیاسی اعمال‌شده له یا علیه قومی خاص، مضحکه قومی، موضع‌گیری‌های غیرمسئولانه منتسبین دولت ملی در قبال گروه‌های قومی، کاهش قدرت یا مشروعیت حکومت مرکزی و... به وجود می‌آید. تاریخ‌سازی و جعل تاریخ، اسطوره‌سازی، استخراج اختلافات و شکاف‌های قومی تاریخی و تفسیرهای بزرگنمایی شده، برتری‌طلبی نژادی و خونی و به‌طورکلی هویت‌سازی از نوع برنامه‌دار، از جمله مواردی هستند که قوم‌گرایان برای رو در رو ساختن مؤلفه‌های هویت‌های ملی و قومی از آن بهره‌برداري می‌کنند. محصول این رو در رویی، واگرایی هویت قومی از هویت ملی است.

۴-۲. جهت‌گیری تلفیقی

در مواقعی که کارگزاران هویت‌ساز فاقد انگیزش برای دستکاری در روندهای هویت‌سازی هستند، اتفاقات و وقایع بعضاً پیش‌بینی نشده شرایطی را فراهم می‌آورند که در برخی موارد عناصر و مؤلفه‌های هویت قومی و هویت ملی دارای جهت‌گیری تقویتی و در مواردی دیگر در تعارض یا یکدیگر قرار می‌گیرند.

به‌طورکلی، وجود اراده‌ی عمومی جدی در جهت واگرایی هویت قومی از هویت ملی نشان‌دهنده‌ی وجود جهت‌گیری رابطه‌ای تخریبی است. در این وضعیت، با بالا رفتن میزان هویت قومی، میزان هویت ملی کاهش خواهد یافت. این در حالی است که در جهت‌گیری رابطه‌ای توازی، افزایش یا کاهش میزان یکی از دو هویت قومی یا ملی موجب ایجاد تغییر در دیگری نخواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، هم در واقعیت و هم در اذهان کارگزاران هویت قومی و هویت ملی رو در روی یکدیگر قرار ندارند و در عین حال همدیگر را تقویت نیز نمی‌کنند. اگر هویت قومی با هویت ملی همپوشانی بیشتری داشته باشد و مؤلفه‌های مشترک هویتی بین این دو از تعیین‌کنندگی برخوردار باشند، جهت‌گیری رابطه‌ای تقویتی بین آنها برقرار خواهد بود. در این جهت‌گیری رابطه مستقیمی بین هویت قومی و هویت ملی برقرار خواهد بود. سرانجام در جهت‌گیری تلفیقی، ممکن است همزمان برخی از مؤلفه‌ها بین دو سطح هویتی قومی و ملی مشترک و برخی نیز متعارض باشند.

بررسی نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین هویت ملی و هویت قومی

پس از شناخت انواع جهت‌گیری‌های رابطه‌ای بین هویت ملی و هویت قومی، می‌توان با بررسی میزان رابطه هویت قومی و هویت ملی بین جوانان زنجان، نوع جهت‌گیری رابطه‌ای بین این دو نوع هویت را مشخص نمود. برای تعیین رابطه هویت ملی و هویت قومی میان جوانان زنجان از روش پرسشنامه‌ای استفاده شده است.

۱. روش تحلیل آماری

پرسشنامه‌ی تهیه‌شده در این پژوهش به صورت کاملاً تصادفی بین ۳۸۰ نفر از جوانان زنجان در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای توزیع شد و این افراد از میان حوزه، بلوک و خانواده با استفاده از نقشه بلوک‌بندی‌شده‌ی شهر زنجان و از میان مناطق مسکونی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند (جمعیت نمونه). هم‌چنین تلاش شد تا در توزیع پرسشنامه‌ها ترکیب جنسی و سنی جمعیت نمونه به‌صورت ۵۰٪ مونث و ۵۰٪ مذکر و حتی‌الامکان بین همه‌ی سال‌های گروه سنی ذکر شده باشد. پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر در بازه‌ی زمانی ۲۰ الی ۳۰ مرداد ماه سال ۱۳۹۰ تکمیل و سپس با کنترل و ارزیابی صحت اطلاعات جمع‌آوری شده و ورود داده‌ها در نرم‌افزار SPSS، کدبندی مجدد و تعریف متغیرها و تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گردید. به منظور روایی‌سازی در تهیه‌ی پرسشنامه‌ی پژوهش، از راهنمایی علمی کارشناسان و پیش‌آزمون در سطح تعداد محدودی از جوانان شهر زنجان بهره‌گرفته شد و برای آزمون روایی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شد که در واقع همبستگی درونی بین گویه‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد. ضریب آلفای کرونباخ از بین صفر تا یک متغیر است که هرچه این ضریب به یک نزدیک‌تر باشد، نشان‌گر میزان بالاتری از روایی گویه‌ها است و کمترین حد قابل قبول این ضریب ۰/۷ است. در پرسشنامه‌ی تحقیق حاضر، میزان آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ به دست آمده است که این میزان قابل قبول است.

جدول‌های شماره یک و دو به ترتیب گویه‌های مولفه‌های هویت ملی و هویت قومی را نشان می‌دهند. گویه‌ها در این پژوهش براساس طیف رنسیس لیکرت^{۱۷} طراحی گردیدند. هدف این طیف اندازه‌گیری گرایش یک موضوع بر اساس ارزش‌های جامعه است. این طیف در سطح مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، ...) تنظیم گردید که می‌تواند گرایش به یک موضوع را بر اساس ارزش‌های جامعه از نگاه پاسخ‌گویان بسنجد.

ضرب آلفای کرونیخ	تعداد گویه‌ها	گویه‌ها	هویت ملی
۹۱۰/۰	۲۳	عشق‌ورزی به زبان فارسی؛ عشق‌ورزی به همه‌ی سرزمین ایران؛ مایه‌لای سربلندی بودن پرچم سه رنگ ایران؛ شرکت در جنگ با مهاجمین احتمالی برای دفاع از ایران؛ تحمل فشار و سختی برای پیشرفت ایران؛ افتخار به افرادی مانند حافظ، فردوسی و بوعلی سینا؛ رفاقت با فارس‌زبانان؛ افتخار به سرود ملی ج.ا.ا. علاقه به پیشرفت ایران؛ آمادگی برای خرید کالاهاى ایرانی برای پیشرفت ایران؛ آمادگی برای وصلت با یک خانواده‌ی فارس‌زبان؛ احساس تنفر از مردم ایران؛ افتخار به ایرانی بودن خود؛ دوست داشتن اعیان مذهبی؛ علاقه به زندگی در کشوری غیر از ایران؛ افتخار به حاکمیت ج.ا.ا.؛ آمادگی برای تلاش بیشتر برای پیشرفت کشور؛ مایه‌ی سربلندی بودن اسلام؛ دادن رأی به یک کاندیدای فارس‌زبان؛ لزوم یادگیری زبان فارسی؛ رفت‌وآمد خانوادگی با فارس‌زبان‌ها؛ احساس خوب از به‌دنیا آمدن در ایران؛ آمادگی برای مقابله با ادعای برخی کشورهای عربی درباره‌ی جزایر سه گانه.	تعلق ملی
۸۷۵/۰	۱۰	احساس مسئولیت نسبت به کشور؛ انجام خوب کار برای رضای خدا؛ احساس مسئولیت نسبت به کشور؛ ترجیح سختی کار در ایران به رفاه کشوری دیگر؛ دفاع از فرهنگ و هویت ایرانی؛ کار در هر کشور با درآمد بیشتر؛ از جان‌گذشتگی برای دفاع از کشور؛ انجام وظیفه در کار به مثابه وظیفه ملی؛ انجام وظیفه در کار خود به عنوان وظیفه دینی؛ گذشتن از مال خود برای دفاع از کشور؛	تعهد ملی

جدول شماره 1: ضریب آلفای کل مقیاس گویه‌های هویت ملی

به منظور سنجش گرایش پاسخ‌گویان به هویت ملی، بیست و سه گویه برای نشان دادن تعلق ملی و ده گویه برای نشان دادن تعهد ملی در نظر گرفته شدند. به‌همین ترتیب برای سنجش گرایش پاسخ‌گویان به هویت قومی، بیست و چهار گویه برای نشان دادن تعلق قومی، هشت گویه برای نشان دادن تعهد قومی و نه گویه نیز برای نشان دادن قوم‌مداری در نظر گرفته شد. برای سنجش رابطه‌ی بین هویت ملی و هویت قومی نیز، در ابتدا به صورت جداگانه، ارتباط هویت ملی با تعلق قومی، تعهد قومی و قوم‌مداری بررسی شد و سپس به بررسی ارتباط بین هویت ملی و هویت قومی پرداخته شد. در ادامه به وسیله نمودار و گراف، تأثیر متغیرهای مستقل جنس، تحصیلات و شغل بر متغیر وابسته یعنی هویت ملی نشان داده شده و به غیر از جنس که متغیر دو رتبه‌ای است، برای بررسی تأثیر سایر متغیرها از آزمون کروسکال والیس^{۱۸} استفاده شد.

هویت قومی	گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
تعلق قومی	عشق‌ورزی به زبان آذری: احساس سربلندی از آذری بودن؛ افتخار به هر چیزی که زبان آذری را زنده کند؛ زبان آذری بهترین زبان در میان زبان‌های ایرانی؛ افتخار به شیعه بودن؛ احساس خوشبختی از تولد در این منطقه؛ علاقه‌مندی به آموزش زبان آذری توسط فرزندان؛ افتخار به شاعران سرشناس آذری؛ افتخار مبارزین در راه سربلندی آذری‌ها؛ افتخار به زنده نگه داشتن نام آذری‌ها؛ هر چه داریم از آذری بودن خود داریم؛ اطمینان به آبادانی مناطق آذری‌نشین در آینده؛ افتخار به رسم و رسومات محلی آذری؛ علاقه و احترام به موسیقی سنتی آذری؛ علاقه‌مندی به استفاده‌ی بیشتر از عاشیق‌های محلی در برنامه‌های صدا و سیما؛ علاقه‌مندی به مطالعه‌ی کتب و آثار فرهنگی به زبان آذری؛ افتخار به انتشار هر چه بیشتر مطبوعات آذری؛ لزوم یاد دادن زبان آذری به فرزندان؛ افتخار به تاریخ و فرهنگ این منطقه؛ افتخار به مراسم عزاداری حسینیه و زینبیه؛ لزوم تقویت ارتباط آذری‌ها در استان‌های آذری‌نشین؛ موجب سربلندی بودن آثار باستانی منطقه؛ اظهار تأسف و ناراحتی نسبت به تخریب محیط زیست و گردشگری آذری‌ها.	۹۱۷۰ ۲۴
تعهد قومی	احساس مسئولیت نسبت به همه آذری‌ها در انجام کار؛ عدم دریغ از هیچ کوششی برای سربلندی آذری‌ها؛ احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت هم‌زبانان آذری؛ همه آذری‌زبان‌ها کارشان را به درستی انجام می‌هند؛ پاسداری از فرهنگ و هویت آذری به عنوان وظیفه؛ گذشتن از مال و اموال خود برای دفاع از آذری‌ها؛ حاضر به ارائه‌ی هر گونه کمکی برای موفقیت ورزش قومی (مانند تیم فوتبال تراکتورسازی).	۸۶۱۰ ۸
قوم‌مداری	عدم برتری هیچ قوم ایرانی بر اقوام دیگر؛ آذری‌ها شایسته‌ترین مردم ایران هستند؛ آذری‌ها شجاع‌ترین مردم ایران هستند؛ آذری‌ها باهوش‌ترین مردم ایران؛ زبان آذری بهترین زبان در دنیا؛ آذری‌ها سخت‌کوش‌ترین قوم ایران؛ آذری‌ها اصیل‌ترین قوم ایران؛ افتخار به شناخته شده بودن به عنوان آذری‌زبان؛ تعلق بهترین رسم و رسومات قومی ایران به آذری‌ها	۸۶۰۰ ۰

جدول شماره 2: ضریب آلفای کل مقیاس گویه‌های هویت قومی

۲. یافته‌های پژوهش

در بررسی یافته‌های پژوهش توجه به این نکته حائز اهمیت است که ضریب همبستگی پیرسون به منظور بررسی رابطه‌ی بین دو متغیر فاصله‌ای و نسبی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مقدار آن همواره بین $+1$ و -1 در نوسان است. مثبت بودن مقدار به دست آمده به معنای این است که تغییرات در هر دو متغیر به طور هم‌جهت اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر با هرگونه افزایش در مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد و برعکس. اما چنانچه مقدار این ضریب منفی باشد، این موضوع بیانگر حرکت دو متغیر در جهت عکس همدیگر است. یعنی با افزایش مقدار یک متغیر، مقادیر متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس. اگر مقدار به دست آمده برای ضریب همبستگی صفر باشد به معنای این است که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد. اگر مقدار این ضریب دقیقاً برابر $+1$ باشد بیانگر همبستگی مثبت کامل و

اگر برابر ۱- باشد نشان‌دهنده‌ی همبستگی کامل منفی بین دو متغیر است (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۰۸). علاوه بر این، وجود همبستگی بین دو متغیر به معنای این نیست که آنها دارای اثرات مساوی هستند و یا یکی علت دیگری است. زیرا ممکن است هر دو تحت تأثیر عامل دیگری باشند (کلانتری، ۱۳۹۱: ۱۰).

هر گاه احتمال وقوع اتفاقی به صورت تصادفی بسیار اندک بوده باشد، آن را به لحاظ آماری معنادار گویند. عبارت «معنادار از نظر آماری» معیاری است که به ما کمک می‌کند، دریابیم که آیا همبستگی بین دو عامل واقعاً قابل اعتماد است یا صرفاً به واسطه‌ی تصادف بوده است. زمانی یک رابطه از نظر آماری معنادار خوانده می‌شود که به احتمال کمتر از ۵ درصد رابطه‌ی مورد نظر ناشی از تصادف بوده باشد. برای فهم بهتر این موضوع از مثال سکه استفاده می‌شود، به این صورت که اگر سکه‌ای صد بار به بالا انداخته شود و در هر صد بار پایین آمدن خط بیاید، می‌توان تا حدی اطمینان حاصل نمود که دوروی سکه خط است. در اصطلاحات آماری، در صورتی که احتمال تفاوت اتفاق از روی شانسی کمتر از پنج دفعه در هر صد بار باشد گفته می‌شود که نتیجه‌ی مشاهده شده، به لحاظ آماری معنادار است (Ho, 2013: 4).

به منظور سنجش تفاوت هویت ملی بر اساس سطح تحصیل و شغل از آزمون کروسکال والیس استفاده گردید. مقیاس اندازه‌گیری در کروسکال والیس حداقل باید ترتیبی باشد. این آزمون برای مقایسه میانگین‌های بیش از ۲ نمونه رتبه‌ای بکار می‌رود. فرضیات در این آزمون بدون جهت است یعنی فقط تفاوت را نشان می‌دهد و جهت بزرگتر یا کوچکتر بودن گروه‌ها را از نظر میانگین‌هایشان نشان نمی‌دهد (صدفی و بابائی، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

۲-۱- بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای اصلی (هویت ملی/هویت قومی)

۲-۱-۱- رابطه‌ی بین هویت ملی و تعلق قومی

با توجه به این که سطح معناداری^{۱۹} همبستگی بین هویت ملی و تعلق قومی بر اساس جدول شماره‌ی سه، برابر $0/00$ ($\text{sig} =$) و کمتر از $0/05$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که بین هویت ملی و تعلق قومی رابطه‌ی معنادار برقرار است. از آنجایی که ضریب همبستگی پیرسون^{۲۰} برابر $0/195$ ($r =$) می‌باشد، بین هویت ملی و تعلق قومی رابطه‌ی مستقیم هر چند با شدت ضعیف برقرار است. به عبارت دیگر، با بالا رفتن تعلق قومی، هویت ملی نیز بین جوانان زنجان افزایش می‌یابد.

علت وجود همبستگی بین هویت ملی و تعلق قومی را می‌توان در اشتراکات موجود در مولفه‌های هویتی بین این دو متغیر جستجو نمود. صرف نظر از عنصر زبان به عنوان یکی از مهترین مولفه‌های هویتی، اشتراکات زیادی بین عناصر و مولفه‌های هویتی بین تعلق قومی جوانان شهر زنجان و هویت ملی آنها وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مشترک هویتی، مؤلفه‌ی مذهب است که هر ساله در مراسم عزاداری امام سوم شیعیان تجلی می‌یابد.

قومی و هویت ملی خود احساس نکنند. مردم زنجان به دلیل موقعیت خاص این شهر در طول تاریخ از رویدادها و اتفاقات مهم تاریخ معاصر کشور متأثر و در برخی موارد تأثیرگذار بوده‌اند. در حوادث مشروطه بسیاری از مردم به تبع نخبگان دینی و سیاسی زنجان از انقلاب مشروطه حمایت کردند. به دنبال توافق شوروی و انگلیس مبنی بر اشغال ایران، زنجان در سال ۱۳۲۰ شمسی اشغال شد. این تصرف برخی پیامدهای زیان‌بار عمومی نظیر تخریب منازل، تصرف عدوانی املاک مردم و دولت و ایجاد اشکال در امر تهیهی آذوقه داشت. (بیات، ۱۳۸۵: ۱۵۵) در جریان شکل‌گیری فرقه‌ی دموکرات آذربایجان نیز مردم زنجان به صورت خودجوش به مقابله با این فرقه برخاستند. مقاومت مردم زنجان در مقابل این فرقه مشهود بوده و حاضر نبوده‌اند این منطقه را بخشی از سرزمین تحت کنترل حکومت خودمختار فرقه‌ی دموکرات بدانند. (احمدی، ۱۳۸۱: ۵۱)

مردم زنجان در حوادث انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نیز مشارکت فعالی داشته‌اند که این نقش‌آفرینی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در افزایش گرایش به هویت ملی بر مردم این شهر تأثیر گذاشته است. بر اساس مصاحبه‌ی مسئولین بنیاد شهید استان با رسانه‌ها، در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی ۲۹۳۶ نفر از مردم زنجان شهید و ۶۵۱۵ نفر جانباز شدند. علاوه بر این ۵۵۹ نفر نیز در این استان به اسارت دشمن درآمدند.^{۲۱} به این ترتیب خانواده‌های ۱۰۰۱۰ نفر از مردم این استان به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در جریان دفاع از هویت ملی و مذهبی به صورت داوطلبانه متحمل تلفات و صدمات جانی شده‌اند که این شمار با احتساب و اضافه نمودن تعداد قابل توجه اعضای خانواده‌ها و نزدیکان آنها و نیز کسانی که علاوه بر آنها در جنگ حضور داشته‌اند، به عنوان نیروی محرکه قدرتمندی برای دفاع از هویت ملی به شمار می‌آیند. بخش غالب آمار ذکر شده مربوط به شهر زنجان است که کارکرد هویت بخشی آنها بر مردم این شهر غیرقابل انکار است.

گویه‌های بازتاب‌دهنده‌ی فرهنگ در گویه‌های مربوط به تعلق قومی و هویت ملی بین پاسخ‌گویان، از رویکرد تفسیرگرایانه قابل انطباق با یکدیگر هستند. مثلاً گویه‌های افتخار به مذهب، مراسم عزاداری حسینی، احساس خوشبختی از تولد در منطقه جغرافیایی، افتخار به شاعران سرشناس آذری، رسم و آموزش زبان آذری به فرزندان همگی از جمله گویه‌هایی هستند که در نگاه تفسیری قابلیت انطباق با هویت ملی را دارند.

در ادامه به برخی تفسیرهای احتمالی گویه‌های تعلق قومی که دیدگاهی هم‌سوگر با مؤلفه‌های هویت ملی هستند، اشاره می‌شود. افتخار به مذهب و عزاداری حسینی از جمله گویه‌های هم‌راستا با مؤلفه‌ی دین در هویت ملی هستند. احساس خوشبختی از تولد در منطقه جغرافیایی با وسعت یک شهر یا استان می‌تواند، به احساس خوشبختی از تولد در منطقه جغرافیایی بزرگ‌تر یعنی به وسعت یک کشور گسترش یابد. در رابطه

۲۱ مصاحبه معاون عمران و مسکن بنیاد شهید و امور ایثارگران استان زنجان با خبرگزاری فارس در مورخ

با گویهی افتخار به شاعران سرشناس آذری نیز، اولاً می‌توان به این نکته اشاره نمود که شاعرانی مانند فضولی و شهریار که از سرشناس‌ترین شاعران آذری‌زبان هستند، اشعار بسیار نغزی به زبان فارسی سروده‌اند و با زبان شعر از زبان ملی تمجید کرده‌اند. ثانیاً شاعران بزرگی همچون مولانا نیز که شعر آن‌ها مایه افتخار زبان فارسی است، به‌نوعی موجب هم‌آمیختگی هویت آذری و فارسی هستند. چرا که مولانا تربیت‌یافته‌ی شمس تبریزی بوده و خود شمس تبریزی نیز تربیت‌یافته‌ی رکن‌الدین سجاسی است و سجاس از توابع استان زنجان است.^{۲۲} در رابطه با آموزش زبان آذری به فرزندان نیز باید اعلام نمود که امروزه اغلب خانواده‌های آذری‌زبان در استان زنجان به فرزندان تازه‌تولد یافته خود به‌طور هم‌زمان تکلم به زبان‌های آذری و فارسی را آموزش می‌دهند، تا به این ترتیب فرزندان آنها قادر به تکلم آسان و روان به زبان ملی باشند و آن‌ها را در مسیر تطابق با محیط‌های آموزشی، بروکراتیک و... یاری نمایند.

از آنجایی که مردم زنجان به زبان آذری تکلم می‌نمایند، فرزندان آن‌ها در چنین محیطی خودبه‌خود زبان محلی را یاد می‌گیرند ولی زبان ملی توسط والدین به فرزندان آموزش داده می‌شود. بنابراین، گویه افتخار به شاعران سرشناس آذری در ذیل تعلق قومی نیز در این برداشت تفسیرگرایانه و تاحدودی تجربی، در امتداد هویت ملی قرار می‌گیرد. ارائه‌ی چنین رویکرد تفسیرگرایانه از آن‌رو مورد توجه قرار گرفت که براساس نتیجه‌ی به دست آمده از این پژوهش، بین هویت ملی و تعلق قومی همبستگی وجود دارد؛ به این معنا که با بالا رفتن میزان یکی، میزان دیگری نیز هر چند با شدت ضعیف بالاتر می‌رود.

۲-۱-۲. رابطه بین هویت ملی و تعهد قومی

با وجود این که ضریب همبستگی بین تعهد قومی و هویت ملی $0/091$ است، ولی بزرگتر بودن سطح معناداری ($sig=0/077$) این رابطه از $0/05$ ، نشان‌دهنده‌ی این است که در صورت تکرار این پژوهش احتمال تغییر نتیجه‌ای غیر از نتیجه فعلی متصور است. به عبارت دیگر همبستگی با شدت ضعیف به دست آمده بین هویت ملی و تعهد قومی قابل اتکا نیست. به این معنا که دو متغیر ذکر شده از استقلال بالایی نسبت به یکدیگر برخوردار هستند و به همدیگر همبسته نیستند. به عبارتی دیگر، افزایش یا کاهش یکی به افزایش یا کاهش دیگری منجر نمی‌شود.

اگر چه بر اساس این پژوهش رابطه‌ی بین هویت ملی و تعهد قومی بین جوانان شهر زنجان از سطح معناداری قابل قبولی برخوردار نبود، بین تعهد ملی و تعهد قومی آنها همبستگی به میزان $0/190$ با سطح معناداری 000 ($sig=$) وجود دارد. از آنجایی که این عدد کمتر از $0/05$ است میزان همبستگی $0/190$ ($r=$) نشان‌دهنده‌ی این است که با بالا رفتن یکی از دو متغیر تعهد قومی یا تعهد ملی، دیگری نیز با شدت ضعیف بالا می‌رود.

۲۲. ر.ک. مجرد، سیداحمدرضا، «رکن‌الدین سجاسی پیر و مراد شمس تبریزی»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۸، آذر و دی ۱۳۷۷، ص ۳۱ و گون، راسخ، «مولانا جلال‌الدین و شمس تبریزی»، سبحانی، توفیق، تهران، نامه پارسی، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸.

۳-۱-۲. رابطه‌ی بین هویت ملی و قوم‌مداری

باتوجه به بیشتر بودن سطح معناداری ($Sig=0/544$) رابطه‌ی دو متغیر هویت ملی و قوم‌مداری از $0/05$ ، می‌توان نتیجه گرفت که بین هویت ملی و قوم‌مداری میان جوانان زنجان‌ی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به این معنا که درجه استقلال دو متغیر هویت ملی و قوم‌مداری از همدیگر زیاد است و بالا یا پایین رفتن میزان یکی تأثیری در بالا یا پایین رفتن میزان دیگری ندارد.

۴-۱-۲. رابطه‌ی بین هویت قومی و هویت ملی

سطح معناداری رابطه بین هویت قومی و هویت ملی برابر $0/01$ ($Sig=$) است. با توجه به این که این عدد کمتر از $0/05$ است، این نتیجه به دست می‌آید که بین هویت قومی و هویت ملی رابطه‌ی معنادار وجود دارد. این رابطه از آن جایی که ضریب همبستگی $0/132$ ($r=$) می‌باشد، با شدت کم به صورت مستقیم است. به این معنا که با افزایش هویت قومی، هویت ملی نیز با شدت کمی افزایش می‌یابد.

نتیجه‌ی این پژوهش با نتایج به دست آمده از سایر پژوهش‌ها در این رابطه نیز هماهنگی دارد. برای نمونه نتیجه‌ی پژوهشی که در سال ۱۳۷۸ انجام گرفته است، ضریب همبستگی میان متغیرهای هویت ملی و هویت قومی آذری‌های ایران عدد $0/11$ ($r=$) با سطح معناداری $0/04$ ($Sig=$) به دست آمده است (حاجیان، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

این یافته نیز نشان‌گر وجود رابطه‌ی همبستگی ضعیف بین هویت قومی و هویت ملی است. در پژوهشی دیگر که رابطه‌ی بین هویت قومی و هویت ملی را بین جوانان آذری‌زبان شهر ارومیه مورد سنجش قرار داده است، ضریب همبستگی پیرسون مقدار $0/161$ ($r=$) را نشان داده است که این وضعیت نیز نشان‌گر همبستگی



نمودار شماره ۱: تأثیر جنسیت بر هویت ملی

هویت قومی و هویت ملی با شدت ضعیف است (عزیزی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۶). این نتیجه در پژوهش سنجش میزان رابطه‌ی هویت ملی و هویت قومی میان جوانان شهر تبریز نیز تکرار شده است. در این پژوهش ضریب همبستگی بین هویت

ملی و هویت قومی با سطح معناداری $0/00$ ($\text{sig} =$) برابر با $0/161$ ($F =$) به دست آمده است که نشان‌گر وجود رابطه معنادار بین دو متغیر هویتی ذکر شده با شدت کم است (افروغ و احمدلو، ۱۳۸۱: ۱۳۶).

۲-۲. بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (هویت ملی)

از آنجایی که طیف‌بندی گویه‌ها براساس رنسیس لیکرت و در سطح مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای (کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، بینابین (۳)، مخالف (۴) و...) طراحی گردیده است، بالا رفتن مقدار در نمودار هویت ملی در گراف‌های ترسیم‌شده نشان‌دهنده کاهش میزان هویت ملی و پایین بودن این مقدار، نشان‌دهنده افزایش میزان هویت ملی خواهد بود.

۱-۲-۲. تأثیر جنسیت بر هویت ملی

در نمودار شماره‌ی یک میزان تأثیر جنسیت بر میزان هویت ملی در گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۴ سال و ۲۵ تا ۳۰ سال نمایش داده شده است. طبق این نمودار مقدار عددی^{۲۳} هویت ملی زنان در مقایسه با مردان در هر دو گروه سنی فوق پایین‌تر است که این موضوع نشان‌دهنده بالاتر بودن میزان هویت ملی بین زنان نسبت به مردان است. رابطه بین جنسیت و هویت ملی با استفاده از رگرسیون خطی با سطح معناداری $0/00$ ($\text{sig} =$) به دست آمد که کمتر بودن این عدد از $0/05$ نشانگر وجود رابطه‌ی معنادار بین هویت ملی و جنسیت است.

به این ترتیب گرایش به هویت ملی بین زنان جوان زنجان بیشتر از مردان جوان این شهر بوده است. برای اغلب آذری‌زبانانی که دوران تحصیل تا مقطع دیپلم را در مدارس مناطق آذری‌زبان طی کرده باشند، این نکته بدیهی و ملموس است که در چند دهه‌ی گذشته دانش‌آموزان دختر به همان اندازه اهتمام بیشتری به تکلم به زبان فارسی دارند که دانش‌آموزان پسر برای تکلم به زبان مادری خود اهتمام می‌ورزند. البته این روند امروزه به دلیل آموزش زبان فارسی در کنار زبان آذری به فرزندان توسط اغلب والدین زنجان تغییر کرده است. بنابراین در آینده، احتمال تغییر در نوع جهت‌گیری کودکان و نوجوانان زنجان نسبت به هویت ملی در دوره جوانی آن‌ها بسیار بالا خواهد بود.

در پژوهشی که رابطه‌ی بین جنسیت و هویت‌های ملی و قومی را بین دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان سقز در سال ۱۳۸۵ مورد سنجش قرار داده است، مشخص گردید بین متغیر جنسیت و پایبندی به هویت ملی و هویت قومی، رابطه معناداری وجود دارد (با سطح معناداری $0/011$ ($\text{sig} =$)). براساس این پژوهش، زنان نسبت به

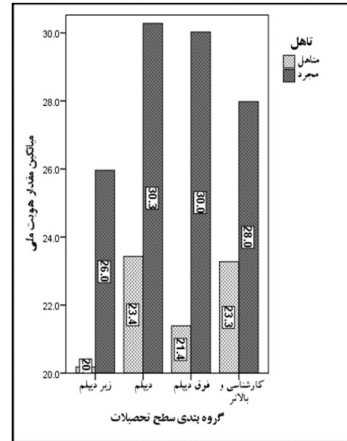
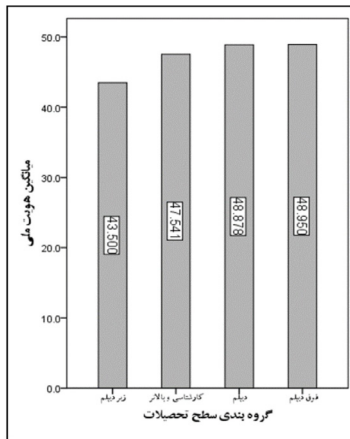
۲۳ همانطور که در قسمت ۲-۲ اشاره شد، با توجه به این که گویه‌های پرسش‌نامه در سطح مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای (کاملاً موافقم (۱)، موافقم (۲)، بینابین (۳)، مخالف (۴) و...) طراحی گردیده‌اند، مجموع مقدار عددی در رابطه‌ی عکس با میزان متغیر مربوطه است. برای مثال در اینجا، با انتخاب گزینه «مخالفم (۴)» در چند پرسش، مقدار عددی هویت ملی مردان جوان بالا رفته و به این ترتیب، میزان هویت ملی کمتری برای آن‌ها به دست می‌آید. این در حالی است که اگر پرسش‌نامه در سطح مقیاس ترتیبی یا فاصله‌ای کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، بینابین (۳)، موافقم (۴) و... طراحی شده بود، رابطه‌ی مستقیمی بین مقدار عددی و میزان متغیر مربوطه به دست می‌آمد.

مردان از پابندی بیشتری به هویت ملی و مردان نسبت به زنان از پای بندی بیشتری به هویت قومی برخوردارند (مقدس جعفری و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۱۶). در این پژوهش علت احتمالی این یافته، فقدان تعاملات بالای زنان و در نتیجه، احساس نابرابری های اجتماعی کمتر زنان نسبت به مردان و نیز کم توجهی زنان نسبت به مسائل سیاسی- فرهنگی ذکر شده است. همین نتیجه در پژوهش دیگری که رابطه ی جنسیت و هویت های قومی و ملی را بین جمعیت بالای ۱۵ سال شهر خرم آباد مورد سنجش قرار داده است، دیده می شود. بر اساس این پژوهش، زنان به طرز معناداری کمتر از مردان به تاریخچه و ریشه های قومی خود توجه می کنند و علاقه کمتری نیز به جنبه های رفتاری قومیت، چون اولویت در معرفی خود به عنوان عضو قومی یا اقدام در راه حفظ آداب و سنن قومی و یا علاقه ویژه به گویش قومی از خود ابراز می کنند (فانعی راد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۸۰).

۲-۲-۲. تأثیر سطح تحصیلات بر گرایش به هویت ملی

در نمودار شماره ی دو تفاوت میزان میانگین مقدار گرایش به هویت ملی در سطوح تحصیلی مختلف نشان داده شده است. بر اساس این نمودار میزان گرایش به هویت ملی به ترتیب در سطوح تحصیلی فوق دیپلم، دیپلم، کارشناسی و بالاتر و زیر دیپلم افزایش می یابد. نمودار شماره ی سه نیز همین تفاوت را به تفکیک تأهل نشان داده است که بر اساس آن افراد متأهل به مراتب دارای گرایش بیشتری به هویت ملی هستند. رابطه بین سطح تحصیلات و هویت ملی با استفاده از رگرسیون خطی با سطح معناداری $0/041$ ($Sig=$) به دست آمد که کمتر بودن این عدد از $0/05$ نشان گر وجود رابطه معنادار بین هویت ملی و سطح تحصیلات جوانان زنجان است. جدول شماره ی چهار تفاوت گرایش به هویت ملی در سطوح تحصیلی مختلف را نشان می دهد که میزان آن به ترتیب میان افراد با تحصیلات فوق دیپلم، دیپلم، کارشناسی و بالاتر و زیر دیپلم بیشتر می شود.

یافته های تحقیق در ارتباط با رابطه هویت های ملی و قومی و پایه تحصیلی میان دانشجویان کرد دانشگاه پیام نور سقز نیز نشان داده است که بین پایه تحصیلی و گرایش به هویت قومی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد، یعنی هر چه پایه تحصیلی بالاتر می رود، گرایش به هویت قومی بیشتر می شود. (مقدس جعفری و دیگران، ۱۳۸۷، ۱۱۷) این در حالی است که در پژوهش بر روی جوانان شهر تبریز رابطه معناداری بین سطح سواد و هویت ملی به دست نیامده است (احمدلو و افروغ، ۱۳۶: ۱۳۸۱).



نمودارهای شماره 2 و 3: تفاوت گرایش ملی در سطوح تحصیلی مختلف

گروه‌ها	تعداد	میانگین رتبه
زیر دیپلم	۷۴	۱۵۷.۸۰
دیپلم	۱۴۸	۱۹۸.۵۸
فوق دیپلم	۶۰	۲۰۱.۴۳
کارشناسی و بالاتر	۹۸	۱۹۶.۳۰
کل	۳۸۰	

جدول شماره ۴: نتایج آزمون کروسکال والیس تفاوت گرایش به هویت ملی در سطوح تحصیلی مختلف

نکته‌ی قابل تأمل در پژوهش حاضر، وجود تفاوت فاحش بین گرایش به هویت ملی بین جوانان متأهل و مجرد در سطوح تحصیلی مختلف است. تأهل و افزایش دغدغه‌های زندگی مانع از انحراف فکر به سمت وسوی رؤیاگرایی‌های هویتی است، ولی زندگی مجردی آمیخته با عدم تعادل، رؤیاگرایی و خودنمایی هویتی است. از همین رو گرایش به هویت ملی بین جوانان مجرد نسبت به جوانان متأهل کمتر است. علاوه بر این دانشجویان متأهل عموماً از سن بالاتری برخوردار و شاغل هستند. این خصوصیات نیز موجب افزایش سطح تعاملات و تبادلات آن‌ها با جامعه‌ی ملی نسبت به جوانان یا دانشجویان مجردی است که عموماً در محیط‌های خوابگاهی سکونت دارند.

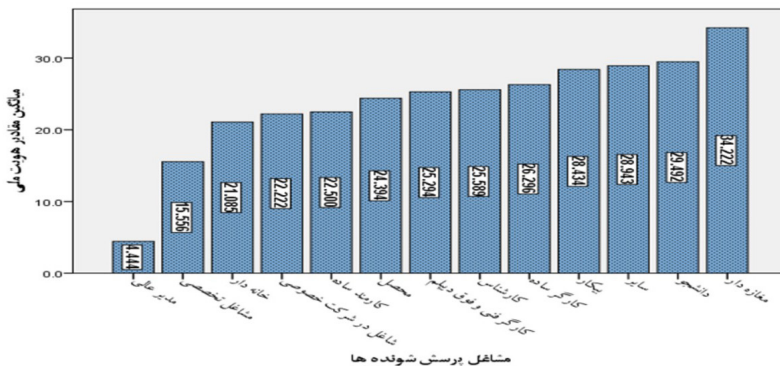
حضور در خوابگاه و در محیطی که محل حضور افراد مختلف از قومیت‌های گوناگون است، امکان رقابت هویتی را بین ساکنین این مکان فراهم می‌سازد و در این میان احساس نیاز به بازنمایی هویت قومی میان دانشجویان بیشتر از دوره قبل از ورود آنها به محیط دانشگاه است. چنین رقابتی در سال‌های بالاتر اشتغال به تحصیل و پایه‌های تحصیلی بالاتر رنگ باخته و به دلیل شکل‌گیری رویه‌های تبدلی و الفت‌های

همنشینی بین دانشجویان با زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف کاهش یافته و گرایش به هویت ملی بین دانشجویان بیشتر می‌شود.

دلیل بالا بودن گرایش به هویت قومی بین جوانان با سطح تحصیلی دیپلم را نیز باید در خصوصیات و ویژگی‌های روانشناختی و رفتاری سن عبور از دوره نوجوانی به جوانی جستجو نمود. در این سن معمولاً افراد به دنبال شناخت خود و کنکاش در هویت خود هستند. از طرفی دیگر، در این سن به دلیل در پیش بودن کنکور سراسری نوعی اضطراب ورود به رقابتی تنگاتنگ که در آینده‌ی آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود، موجب می‌شود تا فرد تبدلات و تعاملات خود را با پیرامون و محیط اجتماعی خود کاهش دهد. در صورت شکست و ناکامی در عبور از سد کنکور، فرد بدبینانه به فراق‌کنی مشکلات به جامعه‌ی ملی رو آورده و آن را با گرایشی به هویت قومی جلوه‌گر می‌سازد، که البته این وضعیت نیز چندان پایدار نخواهد بود. وجود بیشترین گرایش به هویت ملی بین جوانان با تحصیلات پایین‌تر از دیپلم (۷۴ نفر از کل ۳۸۰ نفر جمعیت نمونه) نیز می‌تواند با جامعه‌پذیری موفق آنان در مدارس در ارتباط باشد.

۲-۲-۳. تأثیر شغل بر هویت ملی: نمودار شماره‌ی چهار نشان‌دهنده‌ی تأثیر مشاغل پرسش‌شوندگان بر گرایش آن‌ها به هویت ملی است. طبق این نمودار جوانان زنجان با شغل مغازه‌داری، کمترین گرایش را نسبت به هویت ملی داشته‌اند. دانشجویان، افراد بیکار و کسانی که شغل خود را اعلام ننموده‌اند، در مرحله‌ی بعد قرار دارند که تقریباً گرایش به هویت ملی بین آن‌ها به یک‌اندازه است. مشاغل مدیر عالی، متخصص، خانه‌دار، مستخدم شرکت‌های خصوصی، کارمند، محصل، کارگر فنی (فوق دیپلم)، کارشناس و کارگر ساده، به ترتیب بیشترین تا کمترین گرایش را نسبت به هویت ملی دارند.

نتایج به دست آمده از آزمون کروسکال والیس نشان‌دهنده‌ی آن است که سطح معناداری $(\text{sig}) = 0.003$ کمتر از 0.05 می‌باشد که این اولاً نشان‌دهنده‌ی وجود تفاوت در گرایش پاسخ‌دهندگان به هویت ملی، بسته به مشاغل آن‌هاست و ثانیاً مؤید



نمودار شماره 4 تفاوت گرایش به هویت ملی در مشاغل گوناگون

نتیجه گیری

هویت قومی و هویت ملی می‌توانند در مؤلفه‌های فرهنگ، تاریخ، زبان، سرزمین، مذهب و نژاد با یکدیگر اشتراک داشته باشند. هر چه عمق و گستره‌ی این اشتراکات بیشتر باشد، هم‌گرایی بین دو سطح هویتی ذکر شده نیز بیشتر خواهد بود و هر چه این اشتراک به سمت وسوی تفاوت و افتراق پیش رود، هم‌گرایی هویتی نیز به سمت واگرایی پیش خواهد رفت. اگر گروه‌های جمعیتی قومی را به‌عنوان بخشی از کارگزاران هویتی قلمداد نماییم که در کم‌وکیف ساختار رابطه‌ی بین هویت قومی و هویت ملی تأثیرگذار هستند، به‌طور کلی، می‌توان چهار جهت‌گیری رابطه‌ی تقویتی، توازی، تخریبی و تلفیقی را بین این کارگزاران هویتی و ساختار رابطه‌ی بین هویت قومی و هویت ملی از همدیگر تفکیک نمود.

این پژوهش نشان داد که بین هویت قومی و هویت ملی جوانان آذری زبان شهر زنجان جهت‌گیری رابطه‌ی تقویتی برقرار است. این نتیجه می‌تواند به دلیل اشتراک در برخی از عناصر و مؤلفه‌های هویتی مانند مذهب، تاریخ، فرهنگ، و نزدیکی نسبی جغرافیایی به پایتخت باشد. چراکه هر چه میزان تعلق قومی و هویت قومی در جوانان زنجانی افزایش می‌یابد، میزان گرایش آن‌ها به هویت ملی نیز بالاتر می‌رود. به‌عبارت دیگر با بالا رفتن میزان هویت قومی یا هویت ملی میزان دیگری نیز با شدت کم افزایش می‌یابد.

نکته‌ی قابل توجه دیگر در این پژوهش، عدم وجود رابطه بین قوم‌مداری و هویت ملی از یک طرف، در عین وجود رابطه‌ی تقویتی بین هویت ملی و هویت قومی است. این یافته نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که وجود میزانی از قوم‌مداری را بین گروه‌های قومی نباید به‌مثابه نشانه‌ای برای واگرایی از هویت ملی تصور نمود. بر همین اساس، احساس شایستگی، شجاع بودن، باهوش بودن، سخت‌کوشی، اصالت و... بیشتر در مقایسه با سایر اقوام در عرصه‌های گوناگون میان گروه‌های قومی طبیعی است. قوم‌مداری بیشتر به صفات عالی برمی‌گردد، که فرد این صفات را به گروه قومی خود در مقایسه با اقوام دیگر نسبت می‌دهد. بنابراین، هرگونه واکنش نسنجیده برای تقلیل قوم‌مداری ممکن است به تغییر جهت‌گیری رابطه‌ی کارگزار هویتی منجر شود.

صرف‌نظر از عناصر و مؤلفه‌های هویتی مشترک یا غیراشتراکی بین هویت ملی و هویت قومی، ممکن است برخی متغیرهای محیطی مانند جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و شغل نیز بر رابطه‌ی بین این دو سطح هویتی تأثیرگذار باشند که تأثیر این متغیرها از طریق آزمون کروسکال والیس استفاده شد. در این پژوهش نشان داده شد که میزان هویت ملی بین زنان جوان نسبت به مردان جوان در شهر زنجان بالاتر است. علاوه‌براین، میزان هویت ملی میان افراد دارای سطح تحصیلی فوق‌دیپلم و دیپلم در کمترین میزان و بین افراد با تحصیلات ارشد و دکتری و نیز زیر دیپلمه‌ها بیشتر از سایر افراد است. در هر یک از سطوح تحصیلی، میزان هویت ملی میان متأهلین به مراتب بالاتر از افراد مجرد است. در بررسی تأثیر شغل در رابطه‌ی هویت ملی و هویت

قومی نیز مشخص شد: در افرادی که دارای مشاغل پردرآمدتر با منزلت اجتماعی بالاتر هستند، نسبت به افرادی که دارای مشاغل پایین‌تر هستند، میزان هویت ملی نیز بالاتر است.

مجموع یافته‌های آزمون کروسکال والیس نشان‌گر این حقیقت است که، گذشته از میزان اشتراک بین عناصر و مؤلفه‌های هویتی بین دو سطح هویتی قومی و ملی، نوع و کیفیت زندگی نیز تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رابطه‌ی هویت قومی و هویت ملی دارد. از همین رو، ممکن است در شرایط وجود بیشترین اشتراک بین مؤلفه‌های هویتی قومی و ملی، متغیرهای محیطی موجب شکل‌گیری جهت‌گیری رابطه‌ای تخریبی بین این دو سطح هویتی شوند و برعکس، در شرایط وجود کمترین اشتراک بین مؤلفه‌های هویتی قومی و ملی، این متغیرها موجب شکل‌گیری جهت‌گیری رابطه‌ای تقویتی و هم‌گرایی هویت قومی با هویت ملی شوند. از همین رو، لازم است در سیاست‌گذاری و مدیریت مسائل قومی به این مهم توجه شود.

منابع

الف) منابع فارسی

- احمدلو، حبیب و افروغ، عماد. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۳، صص ۱۰۹-۱۴۲.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۱). در آذربایجان چه گذشت؟ رازهای سر به مهر آشکار می‌شود، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۸۱ و ۱۸۲، صص ۴۴-۶۱.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی؛ چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- اسمیت، دیوید. (۱۳۸۲). چالش‌های قومی و واپس ماندگی ملت‌ها، ترجمه‌ی مصطفی مهرآیین، مجله راهبرد، شماره ۲۹، صص ۲۰۴-۱۸۳.
- بیات، مسعود. (۱۳۸۵). زنجان در جنگ دوم جهانی، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۲۹، صص ۶۰-۱۴۱.
- تقی‌زاده هاشمی، محمود و هاشمی، سیدعلی. (۱۳۹۰). بررسی نقش حسینیه اعظم زنجان در ترویج دینداری این شهر، فصلنامه علمی-پژوهشی شیعه‌شناسی، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۰۰-۶۷.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.
- دریغوس، رایینو. (۱۳۷۹). میشل فوکو: فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- سیف‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۹). اصول روابط بین‌الملل (الف و ب)، تهران: نشر میزان.
- صدفی، ذبیح‌اله و بابائی، سکینه. (۱۳۸۲). تکنیک‌های خاص تحقیق، تهران: انتشارات ورجاوند.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۸)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- عزیزی‌نژاد، بهاره و دیگران. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان آذری‌زبان شهر ارومیه، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۱، صص ۸۹-۱۲۰.
- قانع‌راد، محمدمین؛ موسوی، سیدیعقوب و حمیدیان، اکرم. (۱۳۸۶). جنسیت و هویت قومی (نمونه شهر خرم‌آباد)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (ویژه نامه علوم اجتماعی)، شماره ۵۸ و ۵۹، صص ۱۹۰-۱۶۷.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.

کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر ارتباطات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ، ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه‌ی علیقلیان و خاکباز، جلد اول، تهران: انتشارات طرح نو. گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). *جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی*. گودرزی، حسین. (۱۳۸۴). *گفتارهایی درباره زبان و هویت، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی*.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشر نی*.

مقدس جعفری، محمد حسن؛ شیخاوندی، داور و شریف‌پور، حامد. (۱۳۸۷). *رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان کرد؛ مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۷۹*.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت*.

نادر انتخابی. (۱۳۷۳). *معرفی کتاب؛ ملت، ناسیونالیسم، افسانه و واقعیت (نوشته‌های باورم)*، *مجله گفتگو*، شماره ۲، صص ۱۷۷-۱۷۲.

وینسنت، اندرو (۱۳۸۱)، *نظریه‌های دولت*، ترجمه‌ی حسین بشیریه، تهران: نشر نی.

ب) منابع انگلیسی

Clayton, Tristan. (2002). *Politics and Nationalism in Scotland: a Clydeside Case Study of Identity Construction*, **Political Geography**, 21: 813–43.

Robert, Ho. (2014). **Handbook of Univariate and Multivariate Data Analysis with IBM SPSS** (2nd ed.), CRC Press.

Hornberger, N. H. (2002). *Multilingual language policies and the continua of biliteracy: An ecological approach*, **Language Policy 1 (1)**: 27–51.

Kasapoğlu, A. and Ecevit, M. (2004) *Culture and Social Structure: Identity in Turkey*, **Human Studies**, 27, pp: 137-167.

Kim, S. S. and Gelfand, M. J. (2003). *The Influence of Ethnic Identity on Perceptions of Organizational Recruitment*, **Journal of Vocational Behavior**, 63, 396–416.

Thompson, K. (2002). *Border Crossings and Diasporic Identities: Media Use and Leisure Practices of an Ethnic Minority*, **Qualitative Sociology**, 25(3): 409–418.

Ward, C. (2006). *Acculturation, Identity and Adaptation in Dual Heritage Adolescents*, **International Journal of Intercultural Relations**, 30, 243-259.